

فراز و فرود سفارتخانه‌های آمریکا در جهان طی ۵۰ سال گذشته

عقاب شکسته

اما گر اهام هریسون / مترجم: فرحناز دهقی

امسال سفارتخانه آمریکا در لندن به ساختمان تازه‌ای منتقل شد. نخستین سفیر آمریکا در بریتانیا، جان آدامز بود که بعدتر رئیس جمهور آمریکا شد. او از ۱۷۸۵ تا ۱۷۸۸ در خانه‌ای در میدان گراسونور زندگی می‌کرد. سفارت ایالات متحده در

لندن بارها و بارها به ساختمان‌های مختلفی نقل مکان کرده است. طی سال‌های اخیر مهم‌ترین عاملی که باعث جابه‌جایی سفارت آمریکا شده است نگرانی‌های توریستی و امنیتی بوده است. در مکان قبلی استقرار نیروهای امنیتی مطابق با استانداردهای آمریکا در اطراف سفارتخانه تقریباً غیرممکن بود. اما مکان تازه سفارت،

این امکان را می‌دهد که سطح امنیتی آن افزایش پیدا کند. با سیاست‌هایی که دونالد ترامپ در پیش گرفته، طی ماه‌های آینده، شاید زودتر از آنچه تصوری کردیم، میزان امنیت این سفارتخانه مورد آزمایش قرار بگیرد. سفارتخانه‌های کشورهای مختلف همواره شاهد برگزاری اعتراضات و تظاهرات مختلفی بوده‌اند. گاه این اعتراض‌ها

شدیدتر شده‌اند و خودکشی‌های تاریخی را به وجود آورده‌اند. طی نیم قرن گذشته هرچه بر قدرت آمریکا افزوده شده، اعتراضات به سیاست‌های آن هم شدت بیشتری پیدا کرده است. آنچه در ادامه می‌خوانید بازخوانی این اعتراضات طی نیم قرن گذشته است که به دلیل شدت عمل معترضان بخشی از تاریخ کشور شده‌اند.



« لندن / ۱۹۶۸

سفارتخانه‌ای که اکنون آمریکا آن را پشت سر گذاشت و از آنجا رفت، و قرار است به هتلی مجلل تبدیل شود، در سال ۱۹۶۸ شهریته جهانی پیدا کرد. شهرت بین‌المللی این ساختمان ناشی از اعتراضات گسترده مردمی علیه جنگ ویتنام است. در ۱۷ مارس آن سال، نزدیک به ۸ هزار معترض جوان همراه با تعدادی بازیگر و فعال اجتماعی از میدان ترافالگار به سوی آن راهپیمایی کردند. در حالی که هزار نیروی پلیس در مقابل ساختمان سفارت به حالت آماده‌باش ایستاده بودند، معترضان خود را به میدان کنونی رساندند. در طرف مقابل معترضان، جمعیتی حضور داشت که در میانشان حامیان احزاب محافظه‌کار با شعارهایی در حمایت از جنگ حضور خود را به رخ می‌کشیدند. اما صدای این جمعیت ۲ هزار نفری در هیاهوی معترضان گم شده بود. اعتراضات مسالمت‌آمیز تنها یک ساعت طول کشید و پس از آن جوانان خشمگین با سنگ و ترقه و بمب‌های دست‌ساز راه خود را به درون سفارتخانه باز کردند. پس از آن پلیس برای محافظت از سفارت وارد عمل شد و سعی بر متفرق کردن معترضان داشت. طی این درگیری بیش از ۸۰ نفر، اعم از نیروی پلیس و معترضان، آسیب دیدند و ۲۰۰ نفر هم دستگیر شدند. درگیری در یکی از آرام‌ترین و بی‌حاشیه‌ترین خیابان‌های لندن تلنگری جدی به اعتراض‌های جهانی علیه جنگ وارد کرد و باعث افزایش فشارهای داخلی به دولت آمریکا برای ترک ویتنام شد.



« سایگون / ۱۹۷۵

تصویری از جمعیتی که با ناامیدی به ریسمانی فلزی جنگ می‌زند تا خود را به هلیکوپترهایی برسانند که در حال ترک سایگون هستند را عکاسی آلمانی در آوریل سال ۱۹۷۵ به ثبت رساند تا تبدیل شود به یکی از مهم‌ترین تصاویر اعتراضی به جنگ ویتنام. قبل از سقوط شهر، ۷ هزار نفر که در میان آنها عده کمی آمریکایی بودند، از سایگون خارج شدند و مابقی نیز در شهر به پناهگاه‌های زیرزمینی خزیدند تا در میان طوفان بمب و انفجار جان خود را حفظ کنند. هلی‌کوپترها در میانه دود و هیاهوی مردم به زمین نشستند و در همین حال مقام‌های سفارتخانه مشغول سوزاندن اسناد و مدارک طبقه‌بندی شده و سری بودند. فرار کارمندان سفارتخانه آمریکا در ویتنام، تبدیل به نمادی از شکست گسترده سیاست آمریکا در جنگی بود که جان میلیون‌ها غیرنظامی ویتنامی و ۶۰ هزار سرباز آمریکایی را در گرو خود نگه داشته بود. اگرچه در هیچ عکسی به ثبت نرسیده، اما بنا به گزارش مکرر شاهدان عینی سراسر درهای سفارتخانه مملو از حضور نیروهای مسلح ویتنامی بود که سرسختانه خواستار خروج آمریکایی‌ها از کشورشان بودند. پس از سقوط سایگون، سفارتخانه به مدت دو دهه بسته بود. اما پس از برقراری روابط دیپلماتیک میان آمریکا و ویتنام در سال ۱۹۹۵، پایتخت ویتنام به هانوی منتقل شد. پس از مدت کوتاهی سفارتخانه سابق به آمریکا بازگردانده شد، اما ساختمان قدیمی تخریب شد.



« ایران / ۱۹۷۹

در ماه نوامبر ۱۹۷۹، سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران شاهد اتفاقی بود که بعدها شرح ماقعش راه به کتاب‌ها و فیلم‌های متعددی باز کرد اما با این وجود همچنان برخی از جزئیات آن روز در هاله‌ای از ابهام است. این اتفاق در اواخر دوران ریاست جمهوری جیمی کارتر روی داد. دانش آموزان و دانشجویان انقلابی ایران گرداگرد ساختمان سفارت جمع شدند و دیپلمات‌ها را مدت‌ها گروگان گرفتند. با انتشار عکس‌ها و گزارش‌هایی پیرامون این اتفاق، مشخص شد که عموم مردم ایران از این اقدام حمایت کردند و بسیار آن موافق بودند. بعدتر دولت ایران مدیریت بحران را در دست گرفت و ۱۴ گروگان را آزاد کرد اما ۵۵ نفر دیگر را به مدت یک سال نزد خود نگه داشت. پس از طی این مدت، با روی کار آمدن رونالد ریگان در ژانویه ۱۹۸۱ تمام گروگان‌ها آزاد شدند. ۶ دیپلماتی که زمان حمله در ساختمان سفارت نبودند، با کمک همکاران کانادایی شان در جای امنی اسکان داده شدند و بعد هم از کشور خارج شدند. شرح ماجرای این ۶ نفر در فیلم آرگو با برداشتی آمریکایی از این ماجرا به تصویر کشیده شده است. به دلیل تضاد میان سیاست‌های دو کشور، ساختمان سفارت هرگز به آمریکا بازگردانده نشد. بعدتر به موزه‌ای تبدیل شد و ساختمان‌های متعددی به آن اضافه شدند. هر ساله در روز سالگرد این واقعه، ایرانیان بیرون از آن جمع می‌شوند و روز «تسخیر لانه جاسوسی» را گرامی می‌دارند.



« لیبی / ۲۰۱۲

علیه کنسولگری آمریکا در بنغازی (آن مکان سفارتخانه نبود زیرا بنغازی پایتخت لیبی نیست)، در ۱۱ سپتامبر حمله‌ای شد که ساختمان آتش گرفت و کریس استیونز سفیر آمریکا و سه آمریکایی دیگر طی آن کشته شدند. این حمله باعث به جانش کشیده شدن تلاش‌های کلینتون برای آغاز کمپین انتخاباتی‌اش شد، زیرا در زمان وقوع این حمله او وزیر خارجه بود. اگرچه حزب دموکرات از او در ننگره دفاع جانانه‌ای کرد، اما با این وجود برخی همچنان این اتهام را به او وارد می‌دانستند. نمونه‌اش هم دونالد ترامپ است که بارها و بارها طی مبارزه انتخاباتی‌اش او را به خاطر روی دادن این اتفاق ملامت کرد. این اتفاق باعث بیشتر شدن میل دولتمردان غربی به مداخله در اوضاع منطقه شد، جایی که امیدها برای احقاق دموکراسی و عدالت که پس از بهار عربی به جریان افتاده بود، رفته‌رفته جایش را به خشونت و جنگ می‌داد. استیونز یک سال پس از انقلابی که حکومت دنیا شروع به تعریف مجدد آیین‌های سیاسی و حکومتی خود داشت، در ۲۳ درصد از ثروت جهانی در سال ۱۹۸۰ را در اختیار داشت. او به اتاق امنی برده شد اما همان‌جا بود که با استنشاق دودی که ناشی از آتشی بیرون از ساختمان بود کشته شد. این دود جان‌شان سمیت، یک دیپلمات آمریکایی را نیز گرفت.



« کنیا و تانزانیا / ۱۹۹۸

سفارتخانه‌های آمریکا در پایتخت‌های کنیا و تانزانیا صبح روز ۷ اگوست با انفجار بمب در اتومبیل‌هایی در نزدیکی شان منهدم شدند. این حملات جان ۲۲۴ نفر را گرفت و بیش از ۴ هزار نفر را زخمی کرد تا خونبارترین اتفاقی باشد که در زمان صلح برای سفارت‌های کشور آمریکا می‌افتد. آنها برای جلب توجه بیشتر مردمی و البته گروه‌های شبه نظامی افراطی از اسامه بن لادن تبعیدی سعودی و القاعده گروه توریستی‌اش نام بردند. بیش از این در پای بن لادن در بمب‌گذاری در یواس‌اس کول نیروی دریایی آمریکا پیدا شده بود. پس از انفجار در شرق آفریقا، مقام‌های آمریکایی با تعیین جایزه‌ای ۵ میلیون دلاری از تمام کسانی که اطلاعاتی از محل زندگی بن لادن داشتند، خواست تا در دستگیری او به دولت آمریکا کمک کند. اما حمله به سفارت آمریکا آنچنان خشن و حرفه‌ای بود که سرویس اطلاعاتی آمریکا را غافلگیر کرد. اگرچه هدف هر دو حمله سفارتخانه‌های آمریکا بود اما اکثریت قربانیان آن کنیایی بودند. انفجار کنیا ساختمان‌های مجاور را با خاک یکسان کرد و حرارت ناشی از انفجار یک اتوبوس را به آتش کشاند. بعدتر مشخص شد که پیش از انجام این حمله، به سفارت آمریکا در نیجریه نامه‌ای هشدارآمیز فرستاده شده بود و سفیر هم خواسته بود تا اقداماتی را در جهت افزایش امنیت آن انجام دهد. این بمب‌گذاری‌ها فصل تازه‌ای را در مأمین سفارتخانه‌های آمریکا آغاز کردند و پس از گذشت مدتی سفارت آمریکا در نیجریه هم به مکان امن‌تری منتقل شد.



« پکن / ۱۹۸۹

یک روز پس از آن‌که تانک‌ها، معترضان را در میدان تیانانمن در اوایل ماه ژوئن به زور و ارباب ساکت کردند، دانش آموزان و دانشجویان را به خانه‌ها و خوابگاه‌هایشان فرستادند، یکی از مشهورترین معترضان چینی از دانشگاه خود گریخت تا به دنبال مهاجرانی برود که در سفارتخانه آمریکا در پکن حضور داشتند. براساس گزارش‌ها، فانگ لیژی فیزیکیان و لی شازایان همسرش شماره اول و دوم فهرستی بودند که دولت منتشر کرده بود تا هر چه زودتر دستگیر شوند به دلیل «نقش مهم‌شان در شکل‌دهی اعتراضات مخرب ضد انقلابی» مجازات شوند. به دنبال نگرانی‌های ناشی از انتشار این خبر در میان دیپلمات‌های آمریکایی، واشنگتن فرمان داد که سفارت آنها را تحویل بگیرد. آنها نزدیک به یک سال در سفارت آمریکا زندگی کردند. با این وجود دیپلمات‌ها نگران بودند که چطور فانگ را از چین خارج کنند و هر لحظه هراس این را داشتند که دولت چین قوانین بین‌المللی را زیر پا بگذارد و به سفارتخانه آمریکا بیاید و او را دستگیر کند. او که دانشمندی محبوب و روشنفکر پیشرو بود در همین اوضاع هم به تحقیق و انتشار نتایج آن مشغول بود. طی همین دوران بود که او مقاله‌ای اثرگذار درباره این نوشت که این خیزش اخیر نه به نتیجه‌ای می‌رسد نه با وجود رسانه‌ها و نظام آموزشی تحت سلطه حزب کمونیسم در آن‌ها باقی می‌ماند. بعدتر با گذشت زمان صحت پیش‌بینی او اثبات شد. پس از کش و قوس‌های فراوان، بالاخره با مداخله هنری کیسینجر و دولت ژاپن به آمریکا بازگشت.

امریکا و معادلات تازه جهانی

پسروی کاخ سفید و ظهور نیروهای جدید

جیمز پارویت، سالوادور سالتینوو جیت هیبر

مترجم: وصال روحانی

دنیا به شکلی آشکار به سوی عصری بی‌ثبات می‌رود.

تلاش آمریکا برای قدرت‌نمایی مجدد و سربر آوردن «قدرت»‌هایی تازه در این سنو و آن سوی جهان موجب به‌هم خوردن موازنه‌های قوای سابق شده است. از یک سو رئیس جمهوری فعلی آمریکا با عدم فهم معادلات سیاسی بحران‌هایی را می‌آفریند که محصول زیاده‌خواهی‌های اوست و از جانب دیگر برخی دولت‌ها در حال نیرومندی شدن از هیچ رویکردی برای حل مشکلات پیش‌روی خود ابا ندارند. این در حالی است که تا همین ۲۰ سال پیش سلسله مراتب قدرت و رعایت پیشینه سایرین در برنامه کار دولت‌های غربی و شرقی جای داشت و هیچ‌کس به‌طور انفرادی تصمیم نمی‌گرفت و امروز با ملت‌ها و دولت‌هایی مواجهیم که برای حفظ جایگاه خود دست به هر کوشش تهورانه‌ای می‌زنند و چیزی به نام ترس از آمریکا یا هر کشور دیگری ندارند. همه اینها ناظران را به این باور و سؤال منطقی رسانده که آیا شرایط فعلی شروع سقوط آمریکا نیست و آیا روسیه و چین برای انجام وظایف بسط‌یابنده خود پس از چنان سقوطی آماده هستند؟ البته شکستن هیمنه ظاهری آمریکا از چند سال پیش شروع شده بود ولی رویدادهای پیش رو از اتفاقات سال‌های اخیر هم برای کاخ سفید نگران‌کننده‌تر است زیرا بر تعداد مدعیان و ناراضیان از سیاست‌های آمریکا افزوده و حتی در داخل خود این کشور هم بر سر مبارزه با امثال کره‌شمالی اتفاق نظر وجود ندارد و تندی‌های ترامپ بیش از هر کسی مردم آمریکا را به آینده‌خویش بیمناک کرده است.

■ معادلات تغییر یافته

در ابتدای قرن گذشته شرایط جهان به‌گونه‌ای دیگر

■ دور آتش جنگ

آن ایامی بود که آمریکا به سبب دور بودن از آتش

مستقیم جنگ (حمله ژاپن به پرل هاربر و تبعات آن

عملاً اثر دیرپایی بر اقتصاد آمریکا نگذاشت) بهتر از رقابت

اروپایی‌اش توانست استراتژی‌های خود را تعریف و تدوین

و اجرایی کند. در همان زمان آمریکا شروع به تدوین

این‌نامه غیر رسمی و سرشار از بی‌عدالتی‌های اعمال قدرت

با سطح جهان کرد و با اینکه اتحاد جماهیر شوروی یک

رقیب پایاپای برای آمریکایی‌ها شده بود اما کارخانه‌ها و

ادوات صنعتی‌اش به اندازه آمریکا فعال و پویا نبودند و

صنایع سنگین روس‌ها در مقام قیاس با صنایع جاپک و

پیر شتاب آمریکا به آرامی رنگ می‌باختند. این موارد کمک

کرد تا آمریکا به این باور کاذب برسد که هیچ‌کس نمی‌تواند

به اندازه این کشور برای جهان تعیین خط‌مشی کند یا اینکه

جنگ ویتنام تبدیل به یک گرداب برای آمریکا در سال‌های

۱۹۶۲ تا ۱۹۷۵ شد اما برنامه ریزان سیاسی آمریکا با زندگی

دست به تشکیل زرادخانه‌های وسیع نظامی‌زند تا با

ایجاد خطر جنگ و شائبه زور و زری در این‌جا و آن‌جا

جهان، اختیاراتی از این و آن بگیرند.

■ بی‌صبر گستاخ

امروز (اواسط ماه مارس ۲۰۱۸) معادلاتی به کلی

متفاوت بر جهان حاکم است و سیاست‌های باراک اوباما

که آمیزه‌ای از حفظ سنن و باورهای مدرن‌تر و ایجاد یک

تصویر صورت‌تر از آمریکا بود، جایش را به دولت بی‌صبر

و گستاخ دونالد ترامپ داده است. ترامپ به سبب

تازه‌کار بودن در عرصه سیاست در یک سال منتهی به

پیروزی‌اش در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا

و سپس در ماه‌های نخست استقرارش در کاخ سفید

وعده‌های نهایی برای تقویت جایگاه سیاسی آمریکا و

حاشیه‌نشین کردن سایرین داد اما بدیهی بود که آن روال

به بار نمی‌نشیند و قایل اجرا نیست و سردرگمی برخاسته

از دوگانگی فوق و سربر آوردن نیروهای تازه‌ای در سطح

جهان که از یک آمریکای پر تضاد هیچ‌باکی ندارند، نقشه

سیاسی جهان را عوض کرده است. ترامپ برای متقاعد

سربه‌راه کردن سایرین چهره یک کابوی خشن را به خود

گرفته اما پس از به مصالح‌گشاندن جنگ کلامی تنش‌ها با

کره‌شمالی از عقب‌نشینی مقابل مرکزی‌هایی که تعداد

زیادی از آنها در آمریکا ساکن‌اند و سپس تعدیل چشمگیر

و به‌وسیله‌ای مؤثر در راه فرو ریختن ترس سابق از آمریکا

در سطح جهان تبدیل شده است.

■ سر «آنها» گرم است

این در حالی است که هم‌زمان با پسروی فرانسه و ایتالیا

در معادلات جهانی و عقب‌گرد ماشین اقتصادی آلمان،

هیچ نیروی بالقوه تازه‌ای در اروپا ظهور نکرده و روسیه نیز

درگیر تبعات ماجراهای اوکراین و راضی‌سازی طایفه‌ها

و قوم‌های پر تعدادی شده است که در داخل روسیه یا

ایالت‌های سابق شوروی که از ۱۹۹۱ مستقل شده‌اند به

فعالیت علیه کرملین مشغول‌اند. سیاست‌های ویژه

ولادیمیر پوتین در ارجح شمردن رویدادهای خارجی از

نخست انقلاب اسلامی است به آرامی بر کشورهای عرب

توانند از خلا قدرتی که بی‌کفایتی اوباما و رویا پردازان‌های

ترامپ برای آمریکا در عرصه‌های جهانی به وجود آمده،

بدرستی بهره‌گیرند.

■ تازه و بالنده مثل ایران

امروز جهان سرشار از نیروهای تازه و بالنده‌ای مثل

ایران است که بر تمامیت ارضی و استقلال ایده و قوت

آرمان‌های خود پای می‌فشرند و اخلاق‌گرایی که میراث

نخست انقلاب اسلامی است به آرامی بر کشورهای عرب

خاورمیانه و حتی شمال آفریقا تأثیر مطلوبی گذاشته و

طرح جنایت‌آمیز آمریکا برای به‌راه‌اندازی نیروی جهانی

به نام داعش به قصد محدود کردن دامنه نفوذ ایران و

سایر استقلال طلب‌ها در صحنه سیاست آسیا فقط منجر

به ایجاد یک موج بزرگ و تازه از بی‌نظمی و مرگ و باس

در اروپا شده است. سرکوب داعش توسط ایران، سوریه

و روسیه در ماه‌های اخیر پای جنایت‌کاران فراری داعش

و به‌وسیله‌ای مؤثر در راه فرو ریختن ترس سابق از آمریکا

در سطح جهان تبدیل شده است.

■ سر «آنها» گرم است

این در حالی است که هم‌زمان با پسروی فرانسه و ایتالیا

در معادلات جهانی و عقب‌گرد ماشین اقتصادی آلمان،

هیچ نیروی بالقوه تازه‌ای در اروپا ظهور نکرده و روسیه نیز

درگیر تبعات ماجراهای اوکراین و راضی‌سازی طایفه‌ها

و قوم‌های پر تعدادی شده است که در داخل روسیه یا

ایالت‌های سابق شوروی که از ۱۹۹۱ مستقل شده‌اند به

فعالیت علیه کرملین مشغول‌اند. سیاست‌های ویژه

ولادیمیر پوتین در ارجح شمردن رویدادهای خارجی از

نخست انقلاب اسلامی است به آرامی بر کشورهای عرب

توانند از خلا قدرتی که بی‌کفایتی اوباما و رویا پردازان‌های

ترامپ برای آمریکا در عرصه‌های جهانی به وجود آمده،

بدرستی بهره‌گیرند.

■ تازه و بالنده مثل ایران

امروز جهان سرشار از نیروهای تازه و بالنده‌ای مثل

ایران است که بر تمامیت ارضی و استقلال ایده و قوت

آرمان‌های خود پای می‌فشرند و اخلاق‌گرایی که میراث

نخست انقلاب اسلامی است به آرامی بر کشورهای عرب

خاورمیانه و حتی شمال آفریقا تأثیر مطلوبی گذاشته و

طرح جنایت‌آمیز آمریکا برای به‌راه‌اندازی نیروی جهانی

به نام داعش به قصد محدود کردن دامنه نفوذ ایران و

سایر استقلال طلب‌ها در صحنه سیاست آسیا فقط منجر

به ایجاد یک موج بزرگ و تازه از بی‌نظمی و مرگ و باس

در اروپا شده است. سرکوب داعش توسط ایران، سوریه

و روسیه در ماه‌های اخیر پای جنایت‌کاران فراری داعش

و به‌وسیله‌ای مؤثر در راه فرو ریختن ترس سابق از آمریکا

در سطح جهان تبدیل شده است.

■ سر «آنها» گرم است

این در حالی است که هم‌زمان با پسروی فرانسه و ایتالیا

در معادلات جهانی و عقب‌گرد ماشین اقتصادی آلمان،

هیچ نیروی بالقوه تازه‌ای در اروپا ظهور نکرده و روسیه نیز

درگیر تبعات ماجراهای اوکراین و راضی‌سازی طایفه‌ها

و قوم‌های پر تعدادی شده است که در داخل روسیه یا

ایالت‌های سابق شوروی که از ۱۹۹۱ مستقل شده‌اند به

فعالیت علیه کرملین مشغول‌اند. سیاست‌های ویژه

ولادیمیر پوتین در ارجح شمردن رویدادهای خارجی از

نخست انقلاب اسلامی است به آرامی بر کشورهای عرب

توانند از خلا قدرتی که بی‌کفایتی اوباما و رویا پردازان‌های

ترامپ برای آمریکا در عرصه‌های جهانی به وجود آمده،

بدرستی بهره‌گیرند.

■ تازه و بالنده مثل ایران

امروز جهان سرشار از نیروهای تازه و بالنده‌ای مثل

ایران است که بر تمامیت ارضی و استقلال ایده و قوت

آرمان‌های خود پای می‌فشرند و اخلاق‌گرایی که میراث

نخست انقلاب اسلامی است به آرامی بر کشورهای عرب

خاورمیانه و حتی شمال آفریقا تأثیر مطلوبی گذاشته و

طرح جنایت‌آمیز آمریکا برای به‌راه‌اندازی نیروی جهانی

به نام داعش به قصد محدود کردن دامنه نفوذ ایران و

سایر استقلال طلب‌ها در صحنه سیاست آسیا فقط منجر

به ایجاد یک موج بزرگ و تازه از بی‌نظمی و مرگ و باس

در اروپا شده است. سرکوب داعش توسط ایران، سوریه

و روسیه در ماه‌های اخیر پای جنایت‌کاران فراری داعش